



Expanding the Rules of Strict Liability in Contractual Liabilities with an Objectival Jurisprudence (Fiqh al-Maqāsidī) Approach

Ahmad Saberi Majd¹  | Mahdi Miri² 

1. PhD, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Faculty of Theology, Farabi College of University of Tehran, Qom, Iran. Email: ahmad.saberimajd@ut.ac.ir

2. Corresponding Author, PhD, Department of Law, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran. Email: mirimahdi276@gmail.com

Abstract

This study examines the role of fiqh al-maqāsidī principles in expanding the rules of strict liability in contractual liabilities. The main question is how to use fiqh al-maqāsidī principles to expand the rules of strict liability in contractual liabilities. This research seeks to show how, by using fiqh al-maqāsidī principles, the rules of strict liability can be interpreted in a way that adequately compensates for damages resulting from breach of contracts. Compensation for damages in contractual liabilities plays a crucial role in establishing justice, deterring breach of contract, and strengthening trust in contractual relationships. This study uses a descriptive-analytical method and library tools. The findings show that by relying on fiqh al-maqāsidī principles, such as maintaining order and justice, protecting life and property, and compensating for damages resulting from unlawful acts, the rules of strict liability can be interpreted and expanded to include unpredictable damages. This can lead to increased economic security and contractual justice. Therefore, adopting a new approach to the issue of strict liability in contractual liabilities can help develop existing rules and improve the efficiency and effectiveness of the Iranian legal system in this area.

Keywords: Strict Liability Rules, Civil Liability, Objectives of Sharia, Maintaining Order and Justice, Safeguarding Life and Property, Compensation for Damages.

Cite this article: Saberi Majd, A., & Miri, M. (2025). Expanding the Rules of Strict Liability in Contractual Liabilities with an Objectival Jurisprudence (Fiqh al-Maqāsidī) Approach. *Jurisprudence and the Fundamentals of the Islamic Law*, 57 (2), 399-416. (in Persian)

Publisher: University of Tehran Press.

© The Author(s).

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.379197.669701>



Article Type: Research Paper

Received: 3-Aug-2024

Received in revised form: 9-Jan-2025

Accepted: 19-Jan-2025

Published online: 8-Mar-2025

توسعه قواعد ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی با رویکرد فقه مقاصدی

احمد صابری مجد^۱ | مهدی میری^۲ ✉

۱. دانش‌آموخته دکترا، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات، دانشکدگان فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.
رایانامه: ahmad.saberimajd@ut.ac.ir

۲. نویسنده مسئول، دانش‌آموخته دکترا، گروه حقوق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد مقدس، ایران. رایانامه:
mirimahdi276@gmail.com

چکیده

این مطالعه به بررسی نقش مبانی فقه مقاصدی در توسعه قواعد ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی می‌پردازد. پرسش اصلی آن، بررسی چگونگی استفاده از مبانی فقه مقاصدی برای توسعه قواعد ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی است. این پژوهش در پی آن است که نشان دهد چگونه می‌توان با استفاده از مبانی فقه مقاصدی، قواعد ضمان قهری را به گونه‌ای تفسیر کرد که خسارات ناشی از نقض قراردادها به شکل مناسب جبران شود. جبران خسارت در مسئولیت‌های قراردادی نقشی اساسی در ایجاد عدالت، بازدارندگی از نقض قرارداد و تقویت اعتماد در روابط قراردادی دارد. مطالعه حاضر، از روش توصیفی-تحلیلی و از ابزار کتابخانه‌ای بهره گرفته است. یافته‌های آن نشان می‌دهد که با تکیه بر مبانی فقه مقاصدی از جمله حفظ نظم و عدالت، صیانت از نفس و مال و جبران خسارات ناشی از فعل غیرقانونی، قواعد ضمان قهری می‌تواند به گونه‌ای تفسیر و توسعه داده شوند که شامل خسارات غیرقابل پیش‌بینی نیز شود. این امر می‌تواند به افزایش امنیت اقتصادی و عدالت قراردادی منجر شود. بنابراین، اتخاذ رویکردی نوین به موضوع ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی، می‌تواند به توسعه قواعد موجود و بهبود کارایی و اثربخشی نظام حقوقی ایران در این زمینه کمک کند.

کلیدواژه‌ها: قواعد ضمان قهری، مسئولیت مدنی، مقاصد شریعت، حفظ نظم و عدالت، صیانت از نفس و مال، جبران خسارات.

استناد: صابری مجد، احمد، و میری، مهدی (۱۴۰۳). توسعه قواعد ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی با رویکرد فقه مقاصدی. فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۵۷ (۲)، ۳۹۹-۴۱۶.

نوع مقاله: علمی-پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۱۳

بازنگری: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۳۰

انتشار: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران

© نویسندگان

DOI: <https://doi.org/10.22059/jjfil.2025.379197.669701>



مقدمه

فقه اجتماعی شاخه‌ای از فقه اسلامی است که به بررسی مسائل و چالش‌های اجتماعی از منظر احکام و اصول فقه می‌پردازد. هدف اصلی فقه اجتماعی، ارائه راه‌حل‌های فقهی برای مسائل اجتماعی با توجه به شرایط و نیازهای جامعه در هر عصر و زمانی است. مسئولیت مدنی یکی از مباحث مهم حقوقی است که به بررسی تعهدات اشخاص در قبال یکدیگر و جبران خسارات وارده به دیگران می‌پردازد. در نظام حقوقی اسلام، قواعد مسئولیت مدنی بر پایه احکام شرعی و اصول فقهی استوار است. مبانی فقه مقاصدی، مجموعه‌ای از اهداف و غایات کلی در فقه اسلام است که در تفسیر و استنباط احکام شرعی مورد توجه فقیهان قرار می‌گیرد. یکی از کاربردهای مبانی فقه مقاصدی، امکان استناد به قواعد مسئولیت قهری است. قواعد مسئولیت قهری، مجموعه‌ای از احکام شرعی است که در صورت وقوع ضرر به دیگری، بدون وجود قرارداد یا سوءنیت، شخص ضرر رساننده را ملزم به جبران خسارت می‌کند. با توجه به مبانی فقه مقاصدی، می‌توان استدلال کرد که قواعد مسئولیت قهری نه تنها با مبانی فقه اسلامی مغایرت ندارد، بلکه در راستای تحقق اهداف و غایات کلی فقه اجتماعی قابل مطالعه باشد. در رویکرد فقه اجتماعی، فقیهان با توجه به مبانی فقه مقاصدی و شرایط و نیازهای جامعه، به بررسی قواعد مسئولیت قهری می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا این قواعد را به گونه‌ای تفسیر و استنباط کنند که در حل مسائل و چالش‌های اجتماعی مؤثر واقع شود. در تفسیر و تعیین قواعد مسئولیت مدنی، رویکردهای مختلفی را می‌توان اتخاذ نمود. برخی از فقیهان صرفاً به ظاهر نصوص شرعی استناد می‌کنند و مقاصد شریعت را در نظر نمی‌گیرند. در مقابل، عده‌ای دیگر معتقدند که باید در تفسیر نصوص، مقاصد شریعت را مدنظر قرار داد و در صورت تعارض نص با مقاصد، حکم به تقدم مقاصد بر نص داد. آنچه که می‌تواند مورد پرسش قرار بگیرد این است که می‌توان رویکرد میانه‌ای ارائه داد و بر اساس آن بتوان به نگاهی جامع و شایسته و کلان به قواعد مسئولیت قهری دست یافت؛ بنابراین این پرسش بسیار جدی به میان می‌آید که با رویکرد فقه اجتماعی چگونه می‌توان از مبانی فقه مقاصدی برای توسعه قواعد ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی استفاده کرد و تأثیر این توسعه بر قواعد ضمان قهری در توسعه قواعد ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی با رویکرد فقه اجتماعی، می‌تواند به غنی‌سازی مباحث فقهی و حقوقی در این زمینه کمک کند. همچنین، نتایج این پژوهش می‌تواند در حل مسائل و چالش‌های اجتماعی مرتبط با مسئولیت مدنی در جامعه مؤثر واقع شود. این پژوهش با رویکردی نوین به تفسیر و استنباط قواعد ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی می‌پردازد. عنوان مستقلاً با مسئله مورد پژوهش یافت نشد. در این پژوهش از مبانی فقه مقاصدی و رویکرد فقه اجتماعی برای تفسیر و استنباط قواعد ضمان قهری استفاده می‌شود که تاکنون در این زمینه کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

ماهیت فقه مقاصدی

برای درک عمیق ماهیت مقاصد شریعت، لازم است ابتدا تعریفی روشن از آن ارائه کنیم. بررسی متون فقهی قدیم نشان می‌دهد که تعریفی روشن از مقاصد شریعت ارائه نشده است و بیشتر با تعبیری مانند مصلحت و مفسده، کلیات خمس، الاسرار و المحاسنین، علل، مراد و معانی به آن اشاره شده است. (خادمی، ۱۳۹۹: ۲۶) دلیل این امر آن بوده که فقیهان آن دوره، مفهوم مقاصد شریعت را بدیهی و مسلم می‌دانستند.

با این وجود، اندیشمندان معاصر تعاریف متنوعی از مقاصد شریعت ارائه کرده‌اند که می‌توان آنها را در سه دسته اصلی دسته‌بندی نمود. نخستین تعریف، ناظر بر حفظ ضروریات پنجگانه است. این دسته از تعاریف، مقاصد شریعت را حفظ ضروریات پنجگانه دین (حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال) می‌دانند. این رویکرد در آثار برخی از صاحب نظران دیده می‌شود (غزالی، ۱۴۱۷: ج ۱: ۴۱۶؛ شاطبی، ۱۴۱۵: ج ۲: ۸؛ ابن عاشور، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

دومین تعریف، ناظر بر جلب مصلحت و دفع مفسده است. این دسته از تعاریف، مقاصد شریعت را جلب مصالح و دفع مفاصد برای بندگان می‌دانند (صدر، ۱۴۰۳: ۹۸). از این رو احکام اسلامی تابع مصالح و مفاصدی است که در صورت کشف آن مقاصد و اهداف عالی در صورت عدم وجود نص شرعی بر اساس مقاصد کشف شده فتوا داده می‌شود. سومین تعریف از مقاصد شریعت، ناظر بر اهداف و غایات شریعت. این دسته از تعاریف، مقاصد شریعت را اهداف و غایاتی می‌دانند که شارع در وضع احکام در نظر داشته است. (زحیلی، ۱۴۲۵: ۷۰؛ ریسونی، ۱۴۲۵: ۱۹؛ تسخیری، ۱۳۸۳: ۱۱؛ سبحانی، ۱۳۸۳: ۳۳۵؛ الیوبی، ۱۳۸۸: ۳۷؛ قرضاوی، ۱۴۲۹: ۴۳).

هر یک از این تعاریف، نقاط قوت و ضعفی دارند. تعریف ناظر بر ضروریات پنجگانه، به دلیل محدود بودن به این پنج مورد، ممکن است نتواند تمام مقاصد شریعت را پوشش دهد. ضروریات نیز به این پنج مورد محدود نمی‌شوند و می‌توان مواردی مانند حفظ عرض، حیثیت، امنیت و ... را نیز به عنوان مقاصد ضروری شریعت در نظر گرفت (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ج ۱: ۳۸۹). همچنین تعریف ناظر بر جلب مصلحت و دفع مفسده، ممکن است در تعیین مصادیق مصلحت و مفسده با مشکل مواجه شود. به نظر می‌رسد تعریف ناظر بر اهداف و غایات شریعت، جامع‌تر و کامل‌تر از سایر تعاریف باشد. این تعریف می‌تواند تمام مقاصد شریعت، اعم از حفظ ضروریات، جلب مصالح و دفع مفاصد را در بر بگیرد. در نهایت، می‌توان مقاصد شریعت را اینگونه تعریف نمود: مقاصد شریعت عبارت است از اهداف و غایاتی که شارع در وضع احکام شرعی در نظر داشته است، به منظور تحقق مصالح و سعادت دنیوی و اخروی بندگان.

مبانی فقه مقاصدی

منابع فقه مقاصدی به مجموعه‌ای از ادله و مستندات اشاره دارد که مشروعیت این مکتب فقهی را اثبات می‌کنند. صاحب‌نظران این حوزه معتقدند که از صدر اسلام و نزول وحی و تشکیل حکومت اسلامی، شارع مقدس توجه ویژه‌ای به پیوستگی و تناسب احکام شرعی با مصالح بندگان داشته‌است. از این رو، مستندات و دلایل متعددی برای اثبات مشروعیت فقه مقاصدی ارائه شده‌است که در ادامه به طور خلاصه به آنها اشاره می‌شود.

مشروعیت فقه مقاصدی در پرتو آیات قرآن کریم

مشروعیت فقه مقاصدی از منظر قرآن کریم، با استناد به آیات متعددی قابل اثبات است. آیات ناظر به غایات و اهداف تشریح: آیاتی مانند آیه ۹ سوره اسراء (هدایت، تهذیب، اصلاح و سعادت) و آیه ۲ سوره بقره (هدایت و رستگاری) به صراحت اهداف و غایات تشریح احکام اسلامی را بیان می‌کنند (اسراء: ۹؛ بقره: ۲). آیات ناظر به رفع حرج و آسان‌گیری: آیه ۷۸ سوره مبارکه حج رفع عسر و حرج و تنگناها در زندگی و آسان‌گیری در احکام را از اهداف تشریح می‌داند (حج: ۷۸). آیات ناظر به مصالح خاص: آیاتی مانند آیه ۶۰ سوره انفال (تجهیز مسلمانان برای ترساندن دشمنان) و آیه ۳۷ سوره احزاب (ازدواج پیامبر با همسر پسرخوانده به دلیل رفع حرج) بیانگر توجه شارع به مصالح خاص در تشریح احکام هستند (انفال: ۶۰؛ احزاب: ۳۷). برخی تا ۱۱۰ آیه در این زمینه برشمرده‌اند (واسطی، ۱۳۸۳: ۳۳۸). آیات ناظر به غایت نهایی خلقت: آیه ۵۶ سوره مبارکه ذاریات هدف نهایی زندگی انسان‌ها را عبادت خداوند معرفی می‌کند (ذاریات: ۵۶). آیات ناظر به قسط و عدل: آیه ۲۵ سوره مبارکه حدید قیام به قسط و عدل را جزء مقاصد و اهداف ارسال پیامبران و کتب آسمانی می‌داند (حدید: ۲۵). آیات ناظر به مقاصد جزئی: آیاتی مانند آیه ۱۸۳ سوره بقره (تقوا به عنوان مقصود روزه) و آیه ۴۵ سوره مبارکه عنکبوت (نهی از فحشاء و منکر به عنوان حکمت‌های صلوة) به مقاصد جزئی‌تر احکام اشاره دارند (بقره: ۱۸۳؛ عنکبوت: ۴۵). مجموع این آیات نشان می‌دهد که شارع مقدس در هنگام تشریح احکام، به قصد و هدف خود توجه داشته و این امر بر اهمیت فقه مقاصدی در مقام تشریح و فتوا دلالت می‌کند.

منبع روایات برای تبیین مقاصد شارع

روایات متعددی در موضوعات مختلف عبادی و غیرعبادی، به تبیین مقاصد شارع پرداخته‌اند. مثالی از روایات در موضوع ازدواج: آفات بی‌همسری: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بیشترین اهل جهنم انسان‌های بی‌همسر هستند» (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ج ۳: ۲۵۱). این روایت، بر اهمیت مقصد «ازدواج» در حفظ سلامت روان و جامعه و دوری از گناهان و مفساد تاکید دارد. مثالی دیگر، بهترین شفاعت‌ها: حضرت علی (ع) فرمودند: «از بهترین شفاعت‌ها، شفاعت بین دو نفر در امر ازدواج است تا اینکه خداوند آنان را مجذوب یکدیگر گرداند» (طوسی، ۱۴۱۴: ج ۷: ۴۰۵، ح ۲۲۰؛ عاملی، ۱۴۰۳:

ج ۲۰: ۴۵). این روایت، بر مقصد «ایجاد صلح و دوستی در جامعه» از طریق ازدواج تأکید دارد. مجموع این روایات نشان می‌دهد که معصومین (ع) با تبیین مقاصد شارع، به فهم عمیق‌تر احکام اسلامی و درک فلسفه تشریح آنها کمک می‌کنند.

مبانی فقه مقاصدی به فراتر از آیات و روایات قرآن کریم نیز گسترش می‌یابد و شامل سخنان اهل بیت (ع) و صحابه نیز می‌شود. سخنان صحابه: دهلوی در کتاب «شرح تحریر القواعد» به سخنان صحابه در تبیین مقاصد احکام اشاره می‌کند. طبری در کتاب «تاریخ طبری» از سخنان صحابه در مورد فلسفه تشریح برخی احکام نقل می‌کند. اربلی در کتاب «کشف النقاب» به سخنان صحابه در تبیین فلسفه حج و روزه می‌پردازد. ابن بابویه در کتاب «قرب الاسناد» از سخنان صحابه در مورد فلسفه زکات نقل می‌کند (دهلوی، ۱۳۹۴: ۶۰؛ طبری، بی‌تا: ۳۲ و ۳۳؛ اربلی، ۱۴۲۵: ۱۰۹ و ۱۱۰؛ ابن بابویه، ۱۴۳۰: ۲۳۶). سخنان اهل بیت (ع): خطبه حضرت زهرا (س)، یکی از گویاترین نصوص در این زمینه، خطبه حضرت بی‌بی فاطمه زهرا (س) است که در آن برای ایمان، نماز، زکات، روزه، حج، عدل، وجوب اطاعت، امامت، جهاد، صبر، امر به معروف، نیکی به پدر و مادر، صلح رحم، قصاص، وفا به نذر، دقت در خرید و فروش، اجتناب از برخی محرمات، عدالت در قضاوت و حرمت شرک، فلسفه و حکمت‌هایی بیان شده‌است. مجموع این سخنان نشان می‌دهد که صحابه و اهل بیت (ع) نیز در تبیین مقاصد احکام اسلامی نقشی اساسی داشته‌اند و سخنان آنها می‌تواند منبعی غنی برای فقه مقاصدی تلقی شود.

منبع عقل برای کشف مقاصد شریعت

عقل سلیم، به عنوان یکی دیگر از منابع استنباط مقاصد شریعت، نقشی اساسی در این زمینه ایفا می‌کند. شهید مطهری، از جمله حامیان برجسته حجیت مقاصد، منشأ این اعتقاد را اصل عقل می‌داند که مقاصد کلی شارع را کشف می‌کند. ایشان در کتاب «نظام حقوقی اسلام» می‌نویسد: «فقها می‌گویند: مصالح و مفاسد به منزله علت‌های احکام‌اند... اگر در جای بدون آنکه در قرآن و یا در سنت چیزی داشته باشیم، به حکم عقل، مصلحت یا مفسده‌ای را کشف کنیم، به دلیل آن آشنایی که با روح کلی اسلام داریم، اسلام از آن صرف‌نظر نمی‌کند؛ به خاطر اینکه احکام تابع مصالح و مفاسد نفس‌الامری هستند و این مصالح هم غالباً در دسترس ادراک عقل بشر است» (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۳۵). بر اساس این دیدگاه، عقل سلیم با بررسی اوضاع و احوال بشر و شناخت مصالح و مفاسد واقعی، می‌تواند به درک عمیق‌تر مقاصد شارع از تشریح احکام کمک کند.

فقه‌های مذاهب اسلامی در مورد امکان فهم مصالح و مفاسد شارع توسط عقل و تحصیل حکم شرعی بر اساس آن، رویکردهای مختلفی داشته‌اند. برخی از ایشان صرفاً دلایل نقلی را به عنوان طریقی برای فهم مصالح و مفاسد مورد نظر شارع به عنوان مناط و ملاک برگزیده‌اند. از جمله علمای اخباری مانند استرآبادی، جزایری و شیخ یوسف بحرانی که منکر درک و فهم مناطات احکام از ناحیه

عقل بوده‌اند (استرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۲۹، ۱۳۰ و ۱۶۲؛ بحرانی، ۱۳۷۶: ج ۱: ۱۳۱). حتی در میان اصولیون نیز برخی توان عقل برای درک مناطات تمامی احکام را مورد اشکال و ایراد قرار داده‌اند (انصاری، ۱۴۲۲: ج ۱: ۶۲؛ اصفهانی، بی تا: ج ۲: ۱۳۰). شاید بتوان گفت علی‌رغم اینکه فقها از توان عقل برای درک مقاصد شریعت سخنی نگفته‌اند؛ اما با توجه به نسبت و رابطه مصالح و مفساد احکام شرعی با مفساد امکان تعمیم بخشی به تلقی فقها نسبت به مصالح و مفساد شرعی به مقاصد شریعت امکان‌پذیر است. یعنی فقهای فوق‌الذکر توان درک مقاصد و فهم آن را از ناحیه عقل نمی‌پذیرند.

در میان اهل سنت نیز برخی از نظریه‌پردازان مقاصد، منابع مصلحت شرعی را منحصر در قرآن، سنت و اجماع دانسته‌اند و مصالحی که اخذ شده از غیر منابع مذکور است را باطل دانسته‌اند. شاطبی نیز در کتاب الموافقات خویش دستیابی به مقاصد از طریق عقل را نپذیرفته و بیان می‌دارد که مصالح و مفساد مربوط به آخرت، صرفاً از طریق نقلی (شرع) شناخته می‌شود؛ اما مصالح و مفساد دنیوی را می‌توان از مسیر و طریق ضرورت، تجربه، عادت و ظن معتبر قابل فهم دانست. این سخن اگر چه می‌تواند نسبت به مصالح و مفساد اخروی صحیح تلقی گردد؛ اما نسبت به مصالح و مفساد دنیوی می‌تواند در برخی موارد پذیرفته شود (شاطبی، ۱۴۱۵: ج ۲: ۳۷).

در مقابل نگرش فوق، برخی دیگر باتکیه بر قاعده ما حکم به العقل حکم به الشرع، دستیابی به مصالح و مفساد از طریق عقل را ممکن دانسته‌اند. از آنجا که احکام از مصالح و مفساد درک شده تبعیت می‌کند، لذا حکم به وجوب یا حرمت داده می‌شود. یعنی اگر عقل مصلحت حتمی و الزام‌آور در انجام یک عمل یا مفسده لازم الاجتناب را درک نماید، حکم به مدح فاعل فعل مصلحت دارد و ذم فعل دارای مفسده خواهد نمود. لذا باتکیه بر قانون ملازمه می‌توان حکم به وجوب فعل دارای مصلحت و حرمت فعل دارای مفسده نمود. این نگرش به مشهور اصولیون امامیه و گروهی از اهل سنت منسوب است (نراقی، ۱۴۱۷ق: ۴۴۰؛ قمی، بی تا: ج ۲: ۹۰-۹۱).

عقل و کشف مقاصد شریعت، فراتر از قیاس و استحسان است. در حالی که بسیاری از مقاصد شریعت به طور صریح در قرآن و روایات بیان شده‌اند، فهم برخی دیگر از این مقاصد از طریق نصوص دینی نیازمند تامل و استنتاج است. در اینجاست که عقل سلیم به عنوان ابزاری کارآمد، وارد میدان می‌شود. برخی مخالفان حجیت عقل در استنباط مقاصد، نگرانی‌هایی را از جمله افتادن در دامنه قیاس و استحسان و توسل به منابع غیرمعتبر در استنباط احکام را مطرح می‌کنند. اما این نگرانی‌ها بی‌اساس است. چرا که رجوع به متون فقهی برخی فقیهان برجسته امامیه، نشان می‌دهد که آنها عقل را در کشف ملاکات و مقاصد شریعت معتبر می‌دانند (صدر، ۱۴۰۰: ۱۸۵). بنابراین، استفاده از عقل در استنباط مقاصد شریعت، نه تنها به معنای نادیده گرفتن نصوص دینی نیست، بلکه ابزاری کارآمد برای فهم دقیق‌تر و جامع‌تر احکام الهی و درک فلسفه تشریح آنها به شمار می‌رود.

اهداف فقه مقاصدی

فقه اجتماعی به دنبال کشف اهداف اصلی احکام اسلامی در حوزه جامعه است. با اینکه در استنباط احکام، کمتر به این اهداف توجه شده، اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در اسلام اولیه، به علل و غایات احکام اهمیت داده می‌شد. فقهای شیعه امروزه با استفاده از این رویکرد، به دنبال حل مسائل جدید اجتماعی هستند. این باعث شده تا فقه اجتماعی، پویا و کارآمدتر شود.

در فقه امامیه، درباره کشف ملاک احکام، به‌ویژه در حوزه معاملات، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. خوئی (خویی، ۱۳۷۸: ج ۱۸: ۱۸۵) و مغنیه (مغنیه، ۱۴۰۰: ج ۳: ۱۵۷) در عبادات به جمود بر نصوص تاکید می‌کند و تنها در معاملات امکان توفیق میان نص و مصلحت را می‌پذیرد. برخی دیگر مانند معرفت (معرفت، ۱۳۸۰: ۳۹-۴۰) نیز صراحتاً امکان کشف ملاک را در غیر عبادات بیان می‌کنند. امام خمینی (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴: ۱۰۷) نیز با نقد دیدگاه‌هایی که کشف ملاکات را در برخی موارد غیرممکن می‌دانند، بر امکان عقلایی بودن این اعتبارات تاکید می‌کند. حسین فضل‌الله (حسینی، ۱۳۸۰: ۴۴) و امام خمینی (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۴: ۱۰۸) نیز بر امکان کشف مقاصد شریعت و ملاکات احکام در حوزه معاملات تاکید دارند. با این حال، سبحانی (سبحانی، ۱۳۷۹: ۱۷۹) با رد دیدگاه‌هایی که تبعیت احکام از مقاصد را در غیر عبادات می‌پذیرند، معتقد است دلیل بر این تبعیت در عبادات و معاملات یکسان است. ذبه طور کلی، در فقه امامیه، ضمن وجود اختلاف در میزان تاکید بر کشف ملاکات، توافق بر امکان کشف آن در برخی موارد، به ویژه در حوزه معاملات، وجود دارد.

طرفداران لزوم تبعیت احکام از ملاک و مناط معتقدند عقل در استنباط احکام شرعی و تشخیص مصالح شرعی نقش اساسی دارد و این حکم برای تمام احکام، اعم از تعبدی و غیرتعبدی، جاری است. درک این ملاک‌ها نیازمند دانش و بصیرت عمیقی است که از طریق فهم ابعاد مختلف شرع به دست می‌آید. فقه اجتماعی نیز احکام اسلامی را به دو دسته تعبدی و غیرتعبدی تقسیم می‌کند. احکام تعبدی مانند نماز و روزه، احکامی هستند که دلایل عقلی کاملی برای آن‌ها وجود ندارد. احکام غیرتعبدی مانند احکام مربوط به معاملات، بر اساس عقل و مصالح اجتماعی وضع شده‌اند. هدف فقه اجتماعی، دستیابی به فهم عمیق‌تر از این احکام و استنباط احکام جدید متناسب با نیازهای جامعه است. این امر با بررسی اهداف شریعت و تطبیق آن با شرایط روز انجام می‌پذیرد. به این ترتیب، فقه اجتماعی به عنوان ابزاری پویا برای حل مسائل اجتماعی و تطبیق دین با زندگی روزمره عمل می‌کند.

رویکرد علمای اهل سنت و شیعه به مقاصد شریعت متفاوت است. اهل سنت، به دلیل عدم دسترسی به روایات اهل بیت و نیاز به پاسخگویی به مسائل جدید، به مقاصد شریعت توجه بیشتری نشان دادند (حسینی، ۱۳۸۰: ۲۴). همچنین، محدودیت منابع استنباطی و تجربه حکومت، آنان را به دنبال راه‌هایی برای گسترش دامنه استنباط سوق داد (خوئی، ۱۳۷۸: ج ۲۰: ۴۱۶).

رویکرد اهل سنت و شیعه به مقاصد شریعت متفاوت است. اهل سنت، به دلیل عدم دسترسی به روایات اهل بیت و نیاز به پاسخگویی به مسائل جدید، به مقاصد شریعت توجه بیشتری نشان دادند (اصفهانی، ۱۳۸۴: ج ۲: ۱۳۰). این رویکرد به پیدایش علم مقاصد و گسترش دامنه استنباط انجامید (اصفهانی، ۱۳۸۴: ج ۲: ۱۳۰). شیعه، با تکیه بر روایات اهل بیت، کمتر به مقاصد شریعت متکی بود. احتیاط در استفاده از عقل و محدودیت روش‌های استنباط عقلی، از ویژگی‌های رویکرد شیعه است (کلینی، ۱۴۱۶: ج ۱: ۵۴؛ شهید اول، ۱۴۰۰: ج ۲: ۱۳۸). شیعه بیشتر بر ملاکات احکام تاکید دارد که در کل، رویکرد دو مذهب به مقاصد شریعت ریشه در عوامل و شرایط متفاوت دارد. با این حال، توجه به مقاصد شریعت در فرایند استنباط اهمیت دارد، زیرا پویایی فقه و کارایی آن در عصر حاضر به این موضوع وابسته است.

ضابطه فقه مقاصدی در توسعه مسئولیت قهری در قراردادها

فقه اجتماعی شیعه در تفسیر توسعه مسئولیت قهری در قراردادها، از ضوابط مقاصد شریعت به عنوان راهنمایی برای تعیین حدود و ثغور این توسعه بهره می‌برد. تحصیل مقاصد شریعت، اهداف، غایات، ابزار و راه وصول آن بدون توجه به شرایط و ضوابط مشخص امکان‌پذیر نیست. عمل نمودن به شرایط مقاصد در واقع همان عمل به ذات مقاصد است؛ لذا مقاصد شرعی را باید همان مقصود و مراد شارع تلقی نمود. فقه اجتماعی شیعه با اتکا به این ضوابط، به دنبال توسعه مسئولیت قهری در قراردادها به گونه‌ای است که با اهداف و غایات شریعت، از جمله حفظ حقوق و منافع افراد، صلح و عدالت در جامعه و نظم اجتماعی، همخوانی داشته باشد. این رویکرد، از جمود و انعطاف‌ناپذیری در تفسیر احکام فقهی پرهیز کرده و به فقه اجتماعی شیعه پویایی و کارآمدی لازم برای پاسخگویی به نیازهای نوین جامعه می‌بخشد.

باتوجه به وجود توجیهاات فراوان عقلی، شرعی و روش‌شناختی متعدد در مسیر عمل به شرایط و ضوابط لذا آنچه مسلم است اینکه تحصیل مقاصد شریعت، اهداف، غایات، ابزار و راه وصول آن بدون توجه به شرایط و ضوابط مشخص امکان‌پذیر نیست؛ به‌علاوه عمل نمودن به شرایط مقاصد در واقع همان عمل به ذات مقاصد است؛ لذا مقاصد شرعی را باید همان مقصود و مراد شارع تلقی نمود.

نکته دیگر اینکه تحصیل این اهداف نیز باید منطبق بر مشیت، هدایت، حکمت و وحی الهی صورت گیرد؛ زیرا خداوند متعال نسبت به خیر و صلاح مخلوقاتش، علیم و دانا است و در اوامر و نواهی وی، چیزی جز امور خیر، صلاح و سعادت دنیا و آخرت وجود ندارد؛ لذا عدم توجه به شرایط و ضوابط، در واقع عین نادیده‌گرفتن امری است که شارع حکیم به‌مثابه مراد و منظور شریعت قرار داده است، بدین ترتیب مصالحی که از جانب شارع معین شده است، باید مطابق با تمام قیودات، ادله، آمار و ابزارهایی که شارع مقدس برای محقق شدن مصالح قرار داده، باشد (نوری، ۱۳۹۷: ۶۹)؛ لذا ضروری

است قبل از بررسی کارکرد فقه مقاصدی در مطالبه خسارات قراردادی باتکیه بر قواعد ضمان قهری نگاهی اجمالی به شرایط (عمومی-اختصاصی) مقاصد الشریعه در جهت استنباط داشته باشیم.

از جمله شرایط عمومی مقاصد شریعت می‌توان به ربانی و الهی بودن مقاصد اشاره نمود. مراد از این شرط یعنی از جانب خداوند متعال این شریعت نازل گردد؛ زیرا خداوند متعال نسبت به تمام تمایلات و خواسته‌های نفسانی آگاه است (محمد بن سعد، ۱۴۳۱: ۴۲۲؛ قرضاوی، ۱۴۲۸: ۸۳). همچنانکه در آیات متعدد مانند آیه ۳ سوره سبأ، ۴ حدید نیز این مسئله نمایان است (سبأ: ۳، حدید: ۴)؛ لذا باتوجه به علم نامحدود خداوند متعال، مقاصدی نیز که از جانب وی صادر می‌شود نهایت اتقان، استحکام، عدالت و رحمت در آن وجود دارد و از هر گونه و تمایلات نفسانی می‌رست درحالی که احکام صادر شده توسط انسان به واسطه عروض زمان و مکان و جهات دیگر دچار تغییر و تحول و ضعف می‌گردد؛ لذا مقصد شریعت باید از جانب خداوند متعال نازل گردد. شرط دوم سازگاری مقصد مزبور با فطرت و نیاز انسان می‌باشد. آنچه به عنوان پایه و اساس بنیادین مقاصد شریعت نقش ایفاء می‌کند رعایت سرشت و فطرت انسان‌ها است. مقصود از فطرت یا سرشت در اینجا خصوصیات است که خداوند هستی انسان مبتنی بر آن خلق فرموده است (ابن دقیق، ۱۴۳۰: ۳۳۷).

از جمله شرایط خصوصی مقاصد شریعت نیز عمومیت و اطّراد آن می‌باشد. مقصود از عمومیت مقاصد شمول و احاطه مقاصد مزبور به تمامی تکالیف مکلفین می‌باشد و اطّراد مقاصد نیز به معنای عدم تغییر آن به سبب اختلاف زمانی و مکانی می‌باشد؛ بلکه سازگاری و مصالح بشر در هر زمانی بدون اینکه مختل گردد تحقق می‌یابد (ابن عاشور، ۱۳۸۴: ۵۲). وهبه زحیلی از اندیشمندان معاصر اهل سنت در تبیین مقصود اطّراد می‌نویسد: مقصود این است که با تغییر زمان و مکان تغییری در آن صورت نگیرد؛ مانند اتفاق که در اسلام همراه با وصف قدرت و توانایی بوده است (زحیلی، ۱۴۳۷: ج ۲: ۱۰۱۹).

شرط خصوصی دیگر مقاصد شریعت، ثبات و پایداری آن می‌باشد. یعنی تحقق معانی آن به نحو جزم و یقین یا مظنون به ظن که قریب به یقین است (زحیلی، ۱۴۳۷: ج ۲: ۱۰۱۹). برخی اساس این شرط را به ربانیت به عنوان یکی از شروط عمومی مقاصد برگشت می‌دهند؛ این امر موجب می‌گردد که تغییر مقاصد در هیچ زمان و مکانی لازم نیست و نیازهای هر زمان به نحو کاملی تأمین می‌گردد؛ زیرا تصادم و خلل در خواسته‌ها و مطالبات نفسانی ما است درحالی که نزول شریعت پیامبر مکرم اسلام (ص) علیه و آله و سلم بر اساس پایداری بوده است و لذاست که در اصول و فروع ثبات داشته و تا قیامت به همین ترتیب خواهد بود (شاطبی، ۱۴۱۶: ج ۱: ۷۷-۷۸). همچنانکه آیه ۹ سوره حجر نیز به این ثبات و دوام اشاره داشته می‌فرماید: «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ».

شرط سوم عدم تناقض مقاصد می‌باشد؛ یعنی آنچه که از جانب خداوند نازل گردیده است هیچگونه تضاد و تناقضی وجود ندارد. چنانچه قول الله متعال است: (أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا) (نساء: ۸۲)؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود،

اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند. موافق مفهوم آیه فوق‌الذکر آنچه از جانب خداوند متعال باشد تضاد و تناقضی در آن نیست؛ لذا این شرط اگر مختص نصوص شرعی باشد، پس مقاصد شریعت نیز به همین ترتیب است؛ زیرا قرآن کریم و سنت پیامبر مکرم اسلام (ص) علیه و آله و سلم از جانب خدای علیم و توانا می‌باشد که تناقض را در آنها راهی نیست؛ پس مقاصد که از قرآن و سنت استنباط شده باشد، نیز میزای از هرگونه تناقض و تضادی است و سنت هم وحی از جانب الله تبارک و تعالی است چنانکه می‌فرماید: «وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ» (نجم: ۳-۴).

شرط دیگر منضبط بودن مقاصد شریعت می‌باشد؛ یعنی مقاصد شریعت دارای حدود و ثغوری است که قابل تجاوز از آن نیست؛ مانند تحریم خمر که مقصد آن حفظ عقل است (زحیلی، ۱۴۳۷: ج ۲: ۱۰۱۹). شرط مزبور را می‌توان جزء شروط مهم مقاصد شریعت دانست که از آن به اعتدال، توازن و میانه روی نیز یاد می‌گردد. شرایط دیگری نیز مانند عدم تبعیت از هوا و خواسته‌های نفسانی، قداست و احترام، ظاهر و روشن بودن مقاصد شریعت نیز جزء شروط خصوصی مقاصد شریعت می‌باشد. به نظر می‌رسد که درک عمیق مصالح و مفاسد احکام شرعی و مقاصد شارع، نیازمند پذیرش اصولی بنیادین است: ۱. هر حکم شرعی با مصلحت یا مفسده‌ای در ارتباط است. ۲. عقل انسان قادر به درک این مصالح و مفاسد است. ۳. هر مصلحت و مفسده‌ای که عقل درک کند، با حکم شرعی ملازمه دارد. ۴. مصالح و مفاسد، تحقق‌بخش مقاصد شریعت هستند. ۵. درک مقاصد شریعت از طریق درک مصالح و مفاسد احکام امکان‌پذیر است. این اصول، چارچوبی برای فهم عمیق‌تر احکام و فلسفه تشریح آن‌ها فراهم می‌کنند.

نقش مبانی فقه مقاصدی در توسعه مسئولیت قهری در قراردادها

فقه اجتماعی با اتکا به مبانی فقه مقاصدی، به توسعه دامنه مسئولیت قهری در قراردادها می‌پردازد. در نظام فقهی شیعه، احترام به اموال، تمامیت جسمانی و حیثیتی افراد از جمله مقاصد مورد حفاظت شارع مقدس هستند. بر همین اساس، هر نوع رفتاری که منتج به صدمه به این حقوق و منافع شود، ضامن جبران خسارت وارده خواهد بود، حتی اگر خود مرتکب در بروز این صدمه نقشی نداشته باشد (نجفی، ۱۴۳۱: ج ۳۷: ۴۳۴؛ محقق داماد، ۱۳۸۰: ج ۱: ۱۱۵). این رویکرد، نظریه کلی ضمان در نظام فقهی را مبتنی بر مسئولیت سببی یا بدون تقصیر قرار می‌دهد (حکمت نیا، ۱۳۹۵: ۱۵ و ۱۲۶). فقهای شیعه با بررسی متون فقهی و توجه به ملاک‌ها و مقاصد شریعت، حکم به ضمان اشخاص و تسری آن به موارد غیرمنصوص داده‌اند که در ذیل به صورت تفصیلی مورد بحث قرار می‌گیرد.

توسعه مسئولیت قهری در قراردادها با کشف مناط ضمان و سرایت آن به غیر منصوص

کشف مناط و ملاک ضمان در قواعد ضمان و تسری آن به موارد مشابه به عنوان رویکردی در فقه اجتماعی شیعه برای توسعه مسئولیت‌های قراردادی است که یکی از مقاصد است که می‌تواند در

استناد به قواعد ضمان قهری در مسئولیت‌های قراردادی کارگشا باشد، کشف مناط و ملاک ضمان در قواعد ضمان و تسری آن به موارد مشابه مانند ضمان قراردادی می‌باشد. برخی از فقهای معاصر امامیه در تبیین مفاد قاعده اتلاف، آن را وسیع‌تر از مفهوم اتلاف دانسته و ملاک آن را مستنبط از روایات افساد مال غیر معرفی می‌نمایند (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲: ۴۶۱-۴۶۲).

شاید گفته شود ضمان ارتباط زیادی با از بین بردن مال دارد درحالی که فقیه مزبور، با تکیه بر تعلیل حسنه سدید از امام باقر علیه السلام که می‌گوید: «یغرم قيمة البهيمه لصاحبها؛ لانه افسدها علیه» (کلینی، ۱۴۱۶: ج ۷: ۲۰۴؛ طوسی، ۱۴۱۴: ج ۱۰: ۶۱؛ عاملی، ۱۴۰۳: ج ۲۸: ۳۵۸). بیان می‌دارد که ملاک در ضمان، افساد بر صاحب مال است و این به معنای آن است که صاحب مال را از تصرف در اموال خویش محروم سازد نه اینکه صرفاً نفس مال از بین رفته باشد.

با این نگاه، هر گاه کسی مال دیگری را شرعاً یا عقلاً خارج از تصرف مطلوب وی نماید مسئولیت خواهد داشت. به عنوان مثال، اگر شخصی آب انگور دیگری را به شراب تبدیل کند یا بر مقدار زیادی از سرکه، شراب چکاند در هر دو صورت ضامن است؛ زیرا سبب محروم نمودن صاحب مال از تصرف در اموال خویش گردیده است. همچنانکه اگر مال دیگری را در اختیار ستمگری قرار داده که استرداد مال برای شخص ناممکن باشد عقلاً مال را بر صاحب مال افساد نموده است (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲: ۴۶۱-۴۶۲). این رویکرد در فقه اجتماعی شیعه، به توسعه دامنه مسئولیت‌های قراردادی و پاسخگویی به نیازهای نوین جامعه در قلمرو تعهدات قراردادی کمک می‌کند.

از نگاه این فقیه، تعلیل در روایت برای گسترش موضوع بر اعم از قاعده اتلاف، قابل استنباط می‌باشد که این مورد می‌تواند مصداق بارزی از نقش مقاصد شریعت در توسعه فقه امامیه می‌باشد. در نتیجه، قصد شارع از قاعده ضمان این است که هر گاه کسی مال شخصی را به هر نحوی از مصرف مطلوب توسط صاحب آن خارج سازد (اعم از اتلاف یا خارج ساختن آن از مصرف مطلوبش) ضامن آن مال خواهد بود.

حال در بحث حاضر نیز در قرارداد میان طرفین، شخص متعهد با نقض قرارداد و عدم ایفای تعهدات قراردادی سبب ورود خسارت به دیگری گشته است سبب ممنوعیت شخص از تصرف در اموال خویش به نحو مطلوب گردیده است حال تفاوتی نمی‌کند که این خسارت وارده به اموال وی، در قرارداد قابل پیش بینی بوده یا اینکه از مبلغ قابل انتظار فراتر رفته باشد؛ لذا با توجه به تحقق مناط ضمان یعنی افساد مال غیر در مسئولیت قراردادی استناد به قاعده اتلاف و مفاد آن یعنی افساد مال غیر در جهت پاسخگو نمودن متعهد قراردادی امکان‌پذیر است.

مؤیدی که می‌تواند در تمسک به مقصد شارع در ضمان ناقض تعهدات قراردادی و مسئولیت وی در قبال خسارت کامل مؤثر باشد موثقه اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام می‌باشد که مردی رهنی را برای صد درهم می‌گیرد درحالی که وثیقه ارزش سیصد درهم را داشته و تلف می‌گردد آیا مرتبهن موظف به بازگرداندن دویست درهم به صاحب مال است؟ امام علیه السلام فرمودند: بلی زیرا: «لانه

أخذ رهنا فيه فضل و ضيعة» (کلینی، ۱۴۱۶: ج ۵: ۲۳۴؛ طوسی، ۱۴۱۴: ج ۷: ۱۷۲؛ عاملی، ۱۴۰۳: ج ۳: ۱۲۰). آنچه برخی فقها از تعلیل روایت امام علیه السلام در ضمان منافع مستوفات ملک توسط مشتری استنباط کرده‌اند این است که هر کسی مال دیگری را با افراط و تفریط از بین ببرد ضامن است؛ زیرا با تکیه بر فهم عرفی از تعلیل امام علیه السلام می‌توان استنباط نمود که تمام علت در ضمان، از بین بردن مال دیگری است و هیچ ویژگی و مزیت خاصی برای رهن بودن مال و بیشتر بودن آن در حکم نیست (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۲: ۴۶۱-۴۶۲).

بنابر آنچه که گفته شد، نقض تعهدات قراردادی سبب اتلاف مال غیر می‌گردد لذا بایستی در قبال خسارات وارده به شخص نیز ضامن بوده و تمامی خسارت را جبران نماید؛ زیرا ملاک ضمان که همان از بین بردن مال دیگری با نقض تعهدات قراردادی است تحقق یافته؛ لذا مقصد و مناط مزبور در فرض حاضر نیز جریان پذیر بوده و استناد به قاعده اتلاف در فرض حاضر امکان‌پذیر است؛ زیرا تطبیق ملاک و مناط قاعده اتلاف در نقض تعهدات قراردادی صحیح است.

نقش عدالت در توسعه مسئولیت قهری در قراردادها

عدالت در توسعه مسئولیت قهری در قراردادها به عنوان رویکردی در فقه اجتماعی شیعه نقش دارد. یکی از مقاصدی که می‌تواند به رویکرد استناد به قواعد ضمان قهری قوت بخشد، رعایت عدالت و عدل اسلامی و جلوگیری از ورود ظلم به زیان‌دیده به‌عنوان یکی از مقاصد کلی شریعت می‌باشد. این نوع از استشهاد را می‌توان در متون فقهی امامیه نیز مشاهده نمود. به عنوان مثال، یکی از فقهای قدیم در بحث ضمان مثلی، عدم اسلام را به‌عنوان دلیل بر اینکه ملاک در مطالبه مثل مکان مطالبه می‌باشد مورد بحث قرار می‌دهد (حلی، ۱۴۱۴: ج ۲: ۴۹۱). فقه اجتماعی شیعه با اتکا به این مقصد، به دنبال توسعه مسئولیت قهری در قراردادها به گونه‌ای است که با حفظ عدالت و انصاف در روابط معاملی و جلوگیری از تضییع حقوق زیان‌دیدگان همخوانی داشته باشد. این رویکرد، از یک سو به حفظ حقوق و منافع افراد و از سوی دیگر به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و مبتنی بر انصاف کمک می‌کند.

یکی از دیگر فقهای متأخر امامیه، مالک را از رسیدن به حق خویش هنگام تعدّر مثل منع نموده و وجوب قیمت را در چنین حالتی نتیجه می‌گیرد (انصاری، ۱۴۱۳: ج ۳: ۲۲۶). بر اساس این نظر، اگر کالای مثلی در هنگام اداء متعدّر گردد، مقتضای قاعده، وجوب پرداخت قیمت در فرض مطالبه مالک می‌باشد؛ زیرا اگر به مالک چیزی پرداخت نگردد به وی ظلم گردیده‌است. از سوی دیگر ضامن را نمی‌توان به جهت تعدّر به پرداخت مثل الزام نمود؛ در نتیجه به جهت جمع میان حق مالک و ضامن، واجب است قیمت پرداخت گردد. آنچه می‌تواند از تعلیل شیخ انصاری استفاده گردد این است که اگر در مسئله‌ای، فقیه تضییع حق شخصی را مشاهده نمود، به‌نحوی که احتمال خلاف آن منتفی بود و عدم صدور حکم به ضمان، موجب ظلم به شخص می‌گردید، فقیه از این توانایی برخوردار است که برای عدم تضییع حقوق افراد با تکیه و استناد به حرمت ظلم یا وجوب عدل حکمی را اثبات نماید

(خوانساری، ۱۴۰۷: ج ۴: ۴۲۷). به تعبیر دیگر، وجوب عدالت فرع ثبوت حق می‌باشد. این رویکرد، از یک سو به حفظ حقوق و منافع افراد و از سوی دیگر به ایجاد جامعه‌ای عادلانه و مبتنی بر انصاف کمک می‌کند.

حال در فرض پژوهش، حتی اگر تمامی مباحثی که در تعلیل بر وحدت ماهیت ضمان قراردادی و قهری و امکان جمع مسئولیت‌ها در مذاهب اسلامی ذکر گردید را کسی نپذیرد و وجود مبنا و دلیل بر امکان استناد به قواعد ضمان قهری را منکر گردد، ساز و کار استناد به منع ظلم به اشخاص و رعایت عدالت ایجاب می‌کند که بتوان با تکیه بر قواعدی مانند اتلاف و تسبیب و لاضرر حکم به لزوم جبران خسارت قراردادی وارده به اشخاص داد. عدم حکم به ورود خسارت موجب ظلم به اشخاص می‌گردد درحالی‌که شارع از ورود ظلم به اشخاص منع کرده و حکم به اجرای عدالت می‌نماید.

مؤید توجه به این مقصد در جبران خسارت کامل قرارداد را می‌توان در گزاره‌های فقهی مشابه مشاهده نمود: مثلاً در مورد روایت کرایه بغل (عاملی، ۱۴۰۳: ج ۱۹: ۱۲۰). برخی صرفاً مستأجر را متخلف دانسته و صرفاً وی را ضامن حیوان دانسته‌اند نه اجرت بیشتر و اگر حیوان را سالم به مالک مسترد دارد ضامن چیز دیگری نیست. این فتوا در حالی است که برخی دیگر از فقها عدم پرداخت اجرت بیشتر را مخالف عقل و عدل اسلامی دانسته‌اند (خمینی، ۱۳۷۸: ج ۱: ۵۹۹). حال در فرض بحث حاضر نیست حکم به عدم لزوم جبران خسارت کامل قراردادی با عقل و عدالت اسلامی به‌عنوان یکی از مقاصد شریعت، تضادی آشکار دارد و عدم جبران خسارت کامل، ظلم به زیان‌دیده و تضییع حقوق او محسوب می‌شود.

نقش امنیت اقتصادی در توسعه مسئولیت قهری در قراردادها

نقش امنیت اقتصادی در توسعه مسئولیت قهری در قراردادها به عنوان رویکردی در فقه اجتماعی شیعه قابل طرح است. یکی از مقاصدی که شارع مقدس در تشریح عقود صحیح به آن توجه داشته، تأمین امنیت اقتصادی مردم در بستر معاملات است. این امر را می‌توان با استناد به قواعد فقهی متعددی مانند لاضرر، احترام مال مسلم، ضمان ید، غرور و اتلاف اثبات کرد. در فرض پژوهش حاضر که خسارت وارده بر شخص بسیار فراتر از حد قابل پیش‌بینی و وجه التزامی قرارداد است، مطالبه مازاد بر وجه التزام باتکیه بر مفاد قواعد مزبور توسط افراد در راستای تأمین امنیت اقتصادی مردم در معاملات می‌باشد. فقه اجتماعی شیعه با اتکا به این مقاصد، به دنبال توسعه مسئولیت قهری در قراردادها به گونه‌ای است که با حفظ امنیت اقتصادی افراد در معاملات و جلوگیری از تضییع حقوق آنها همخوانی داشته باشد. این رویکرد، از یک سو به حفظ ثبات و نظم در روابط اقتصادی و از سوی دیگر به جبران خسارات وارده به اشخاص در اثر بی‌احتیاطی یا تقصیر طرف مقابل در معاملات می‌پردازد.

غرض و هدف شارع از تشریح قواعد ضمان و معاملات صحیح، جبران کامل خسارت در قراردادهای قلمداد می‌شود. اگر فارغ از متن و مفاد قواعد ضمان و معاملات صحیح، غرض و هدف شارع از تشریح این قواعد را مورد توجه قرار دهیم، به این نتیجه می‌رسیم که هدف اصلی، جبران کامل خسارت وارده به اشخاص در قراردادهای است. فتوای به عدم ضمان توسط عامل زیان در تضاد و تناقض با امنیت اقتصادی افراد در معاملات به‌عنوان یکی از مقاصد مهم شارع از تشریح قواعد ضمان و معاملات صحیح می‌باشد. عدم ضمان شخص ناقض تعهد در جبران کامل خسارت، موجب سوء استفاده اشخاص در روابط معاملی با دیگران و ایجاد فضای ناامنی در این باره می‌گردد. فقه اجتماعی شیعه با اتکا به این هدف، به دنبال توسعه مسئولیت قهری در قراردادهای به گونه‌ای است که با حفظ امنیت اقتصادی افراد در معاملات و جلوگیری از تضییع حقوق آنها همخوانی داشته باشد. این رویکرد، از یک سو به حفظ ثبات و نظم در روابط اقتصادی و از سوی دیگر به جبران خسارات وارده به اشخاص در اثر بی‌احتیاطی یا تقصیر طرف مقابل در معاملات می‌پردازد.

اما پرسشی که شاید مطرح گردد چگونگی دلالت هر کدام از این قواعد در تأمین امنیت اقتصادی افراد می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت: بر اساس قاعده لاضرر، ضرر مشروعیتی ندارد و نه حکم ضرری وضع می‌گردد و نه کسی می‌تواند به دیگری ضرر برساند (محقق داماد، ۱۳۸۰: ج ۱: ۱۱۵). این قاعده به عنوان جزئی از عموماتی است که به صیانت از امنیت اقتصادی دیگران نگاهی خاص دارد. بر اساس قاعده احترام مال مسلم، مال مسلمان باید از تعدی و تعرض مصون باشد، چه در قالب قرارداد و چه خارج از آن. اهمیت تشریح مال مسلمان و لزوم جبران خسارت وارده بر آن را می‌توان از روایتی از پیامبر اکرم (ص) دریافت کرد که حرمت مال مسلمان را مانند حرمت دم وی دانسته است.

فقیهان نیز در موارد متعددی مانند ضمان منافع مستوفات به این قاعده استناد کرده‌اند که نشان‌دهنده اهمیت آن در عرصه تبادلات مالی اشخاص است. قاعده ضمان ید: مقتضای قاعده اولیه تصرف و استیلاء بر مال دیگری، ضمان متصرف در مقابل مالک می‌باشد. یعنی متصرف علاوه بر استرداد عین مال، در فرض تلف یا نقص آن، باید از عهده جبران خسارت وارده بر آن نیز برآید. این قواعد فقهی با تأکید بر حفظ حقوق و منافع افراد و جبران خسارات وارده به آنها، در راستای تأمین امنیت اقتصادی افراد در قراردادهای عمل می‌کنند. فقه اجتماعی شیعه با اتکا به این قواعد، به دنبال توسعه مسئولیت قهری در قراردادهای به گونه‌ای است که با حفظ امنیت اقتصادی افراد در معاملات و جلوگیری از تضییع حقوق آنها همخوانی داشته باشد.

نتایج

با توجه به رویکرد فقه اجتماعی که با توجه به شرایط و نیازهای جامعه به بررسی قواعد می‌پردازد، می‌توان از فقه مقاصدی برای تفسیر و استنباط این قواعد به گونه‌ای استفاده کرد که در حل مسائل و چالش‌های مرتبط با مسئولیت مدنی در جامعه مؤثر باشد. به عبارت دیگر، فقه اجتماعی با در نظر

گرفتن شرایط متغیر اجتماعی، به دنبال استنباط احکامی است که بتوانند به بهترین نحو پاسخگوی نیازهای جامعه باشند. در این راستا، فقه مقاصدی ابزاری مهم برای تحقق این هدف به شمار می‌رود. توجه دقیق و دائمی فقیه به مقاصد شریعت در فهم و تفسیر نصوص و کشف احکام از ادله و منابع معتبر ضروری است. فقیه همواره باید نصوص شرعی بیان‌کننده حکم را منبع و مستند اجتهاد خود قرار دهد، اما در برداشت از ادله و تحلیل آنها، مقاصد شریعت و اصول کلی دین را در نظر داشته باشد و با توجه به آنها نصوص مبین قواعد مسئولیت مدنی را تفسیر کند. این شیوه فقهی، علاوه بر اصل قرار دادن کتاب و سنت در استنباط احکام و پایبندی به نصوص شرعی در اجتهاد، با لحاظ مقاصد شریعت در مسیر استنباط احکام، سبب پویایی فقه و انطباق احکام شرعی با تحولات اجتماعی و پاسخ به مسائل نوظهور می‌شود. توجه به مقاصد در فرایند استنباط و اجتهاد، به این معنا بازگشت دارد که پویایی فقه در گرو تبیین عمیق اهداف و نظام آن نهفته است. کارایی فقه در عصر حاضر، وابسته به تشخیص دقیق هدف و سنجش احکام با اغراض و مقاصد شریعت است تا میزان اثرگذاری آنها در تحقق اهداف شریعت آشکار شود. با توجه به مبانی فقه مقاصدی و رویکرد فقه اجتماعی، می‌توان قواعد ضمان قهری را به گونه‌ای تفسیر و استنباط کرد که در راستای تحقق اهداف و غایات کلی فقه و حل مسائل و چالش‌های مرتبط با مسئولیت مدنی در جامعه باشد. در این راستا، می‌توان از توجه به مقاصد شارع از تشریح قواعد ضمان استفاده کرد. برخی از این مقاصد عبارت‌اند از:

الف) حفظ نظم و عدالت: یکی از اهداف اصلی شریعت اسلام، حفظ نظم و عدالت در جامعه است. قواعد مسئولیت قهری می‌توانند به تحقق این هدف کمک کنند، چرا که از تضییع حقوق افراد در اثر اعمال زیان‌بار دیگران جلوگیری می‌کنند. ب) صیانت از نفس و مال: حفظ جان و مال انسان از حقوق مسلم شرعی است. قواعد مسئولیت قهری می‌توانند به صیانت از این حقوق کمک کنند، چرا که افراد را در قبال اعمال زیان‌بار خود مسئول می‌دانند. از این رو در برخی موارد، ممکن است قوانین موضوعه برای جبران خسارات ناشی از فعل غیرقانونی در قراردادها کافی نباشد. به عنوان مثال، در مواردی که خسارت ناشی از نقض قرارداد غیرقابل پیش‌بینی باشد، قوانین موضوعه ممکن است راهکاری برای جبران آن نداشته باشند. در این موارد، می‌توان از قواعد مسئولیت قهری به‌عنوان تکمیل‌کننده این قوانین استفاده کرد. به این ترتیب، با تکیه بر مبانی فقه مقاصدی و رویکرد فقه اجتماعی، می‌توان نظام حقوقی را در زمینه مسئولیت مدنی بهبود بخشید و به اهداف عالی شریعت در زمینه عدالت و حفظ حقوق افراد نزدیک‌تر شد.

منابع

- ابن بابويه، محمد بن علي (١٤٣٠). علل الشرائع. تهران: موسسه نشر پيام طاهر.
- ابن دقيق عيد، محمد بن علي (١٤٢٦). أحكام الأحكام. بيروت: دار الكتب العلمية.
- ابن عاشور، محمد طاهر (١٣٨٤). مقاصد الشريعة الإسلامية. دار التراث، چاپ اول.
- اربلي، علي بن عيسى (١٤٢٥). كشف الغمة في معرفة الأئمة (ع). قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- استرآبادي، محمد امين (١٣٨٤). الفوائد المدنية. قم: موسسه بوستان كتاب.
- اصفهانى، محمد حسين (١٤١٨). نهاية الدراية في شرح الكفاية. قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- _____ (بى تا). نهاية الدراية في شرح الكفاية. بيروت: دار احياء التراث العربي.
- انصارى، مرتضى (١٤١٣). المكاسب. دار الحديث للطباعة والنشر.
- _____ (١٤٢٢). فرائد الأصول. قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- باباي، ايرج و همكاران (١٣٩٧). بررسى تطبيقى ساختار مسئوليت مدنى در حقوق كامن لا و اسلام. فصلنامه پژوهش تطبيقى حقوق اسلام و غرب، ٥ (١)، ١٤.
- بابكر، حسن خليفه (١٣٨٦). فلسفة المقاصد التشريعية في الفقه الإسلامي. دار الفكر، چاپ دوم.
- بحراني، يوسف (١٣٧٦). الحدائق الناظرة. نجف: المطبعة الحيدريه.
- تسخيري، محمد علي (١٣٨٣). المصالح المرسله و مجال حجيت ها. فقه اهل بيت (ع)، ٣٩-٤٠، ٣٧٢-٣٨٤.
- حسيني، محمد (١٣٨٠). الاجتهاد و الحياة. قم: انتشارات مؤسسه آموزشي و پژوهشي امام خميني.
- حكمت نيا، محمود (١٣٩٥). مسئوليت مدنى در فقه اماميه، مباني و ساختار. انتشارات دانشگاه مفيد.
- حلي، ابن ادریس (١٤١٤). السرائر. دار الكتب العلمية.
- خادمي، نورالدين (١٣٩٩). علم المقاصد الشريعة. قم: مؤسسة النشر الإسلامي.
- خميني، سيدروح الله (١٣٧٨). كتاب البيع. تهران: موسسه چاپ و نشر امام خميني.
- خوانساري، سيداحمد (١٤٠٧). جامع المدارك. موسسه آل البيت (ع).
- خويي، سيدابوالقاسم (١٣٧٨). موسوعة الإمام الخوئي. قم: موسسه چاپ و نشر امام خميني.
- _____ (١٤١٠ق). محاضرات في اصول الفقه. نجف: مؤسسة آل البيت (ع).

- _____ (١٤١٨). التنقيح فى شرح العروة الوثقى. قم: مؤسسة احياء آثار الامام الخوئى.
- دهلوى، شاه ولى الله (١٣٩٤). حجة الله البالغة. تهران: مؤسسه فرهنگى
- الزحيلي، وهبة (١٤٢٥). مقاصد الشريعة اساس لحقوق الانسان. دار الكتاب العربى
- _____ (١٤٣٧). اصول الفقه الاسلامى. دار الهدى للنشر والتوزيع.
- سبحانى جعفر (١٣٧٩). مصادر الفقه الاسلامى و منابعه. قم: مؤسسه امام على (ع).
- _____ (١٣٨٣). اصول الفقه المقارن فيما لا نص فيه. قم: مؤسسه النشر الإسلامى.
- _____ (١٣٨٤). الاعتصام بالكتاب و السنة. قم: مؤسسه امام على (ع).
- شاطبى، ابراهيم بن موسى (١٤١٥). الموافقات فى اصول الشريعة. چاپ اول، قم، انتشارات هجرت.
- _____ (١٤١٦). الموافقات. دار الكتاب اللبنانى.
- شوشترى، مهدي (١٣٨٤). رويکرد فقيهان اماميه به مقاصد شريعت در ابواب معاملات. ص ٥٤.
- _____ (١٣٩٥). رويکرد فقيهان اماميه به مقاصد شريعت در ابواب معاملات. قم: بوستان كتاب.
- شهيد اول، محمد بن مكى (١٤٠٠). القواعد و الفوائد فى الفقه و الأصول و العربية. قم: مكتبة المفيد.
- شيخ صدوق، محمد بن على بن بابويه (١٣٨٥). من لا يحضره الفقيه. قم: مؤسسه دار الحديث.
- صدر، محمد باقر (١٤٠٠). المباني العامة للفقه الاسلامى. قم: مؤسسه النشر الاسلامى.
- _____ (١٤٠٣). الفتاوى الواضحه و فقا لمذهب اهل البيت عليهم السلام. بيروت: دار التعارف.
- طبرى، محمد بن جرير (بى تا). دلائل الإمامة. بى جا.
- طوسى، ابو جعفر محمد (١٤١٤). تهذيب الأحكام. دار الكتاب اللبنانى.
- عاملى، محمد بن حسن (١٤٠٣). وسائل الشيعة. مؤسسة آل البيت (ع).
- عبيدى، حمادى (١٤٠٦). الشاطبى و مقاصد الشريعة. دار قتيبية، چاپ اول.
- غزالى، ابوحامد محمد (١٤١٧). المستصطفى من علم الاصول. بيروت: دار الكتب العلمية.
- الفاسى، علال (١٣٨٢). مقاصد الشريعة الاسلامية و مكارمها. دار القلم، چاپ اول.
- قرضاوى، يوسف (١٤٢٦). السياسة الشرعية فى ضوء نصوص الشريعة و مقاصدها. بيروت: دار الشروق.
- _____ (١٤٢٨). مدخل لدراسة الشريعة الاسلامية. دار الفرقان للنشر والتوزيع.

- _____ (۱۴۲۹). الإجتهد فی الشریعة الاسلامیة. بیروت: دار الشروق.
- قمی، میرزا ابوالقاسم (بی تا). قوانین الأصول. چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۴). الکافی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- محصلی، هدایت حسین؛ و نوری، بهادر (۱۳۹۹). ماهیت مقاصد شریعت و نقش آن در استنباط حکم شرعی از دیدگاه فریقین. مطالعات تطبیقی کلام، ۱۶ (۱۰)، ۱۰۷-۱۳۷.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۸۰). قواعد فقه. انتشارات اسلامی.
- محمد ابو الفتح، البیانونی (۱۴۳۴). محاسن ومقاصد الإسلام، مجلة الشریعة والدراسات الاسلامیة، جامعة الكويت: العدد ۴۳.
- محمد بن سعد، الیوبی (۱۴۳۱). مقاصد الشریعة الاسلامیة وعلاقتها بادلتة الشرعیة. دارالهجرة
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۰). واقع نگری در بینش فقهی امام. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مغنیة، محمدجواد (۱۴۰۰). فقه الامام الصادق علیه السلام. بیروت: دار الهمدی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵). دائرة المعارف فقه مقارن. قم: مدرسة الإمام علي بن أبي طالب (علیه السلام).
- نجفی، محمدحسن (۱۴۳۱). جواهر. دار الکتب العلمیة.
- نراقی، احمد (۱۴۱۷). عوائد الايام. چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- واسطی، عبدالحمید (۱۳۸۳). نگرش سیستمی به دین. تهران: شرکت سروش.
- الیوبی، محمدبن سعد (۱۳۸۸). مقاصد الشریعة الاسلامیة و علاقتها بالأدلة الشرعیة. بیروت: دار الفلاح.